

Sunday, August 04, 2019
8:53 AM

بررسی تطبیقی دیدگاه شیخ صدوق و شیخ مفید درباره حقیقت آفرینش پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ

محمد ناصر فهیمی^۱

چکیده

بررسی حقیقت آفرینش انبیاء و امامان معصوم ﷺ از طریق عقل و نقل مطرح است. در این تحقیق، بیشتر از روش نقلی و تحلیلی استفاده شده و با بررسی تطبیقی دیدگاه مرحوم شیخ صدوق و مرحوم شیخ مفید، این نتیجه به دست آمده است که شیخ صدوق در آثار متعدد خود مقام نوری پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ را اولین مخلوق عالم و آنها را سبب آفرینش کائنات دانسته است و برای اثبات نظریه خود به آیه ۳۱ سوره بقره و روایات دیگر استناد کرده است. در حالی که مرحوم شیخ مفید تا حدودی با این دیدگاه مخالفت ورزیده و آن را عقیده حشویه و غلات دانسته و مراد از روایات دال بر اشباح آل محمد ﷺ قبل از حضرت آدم ﷺ را وجودهای مثالی و نه وجود حقیقی آنها دانسته است. در این نوشتار، قول مرحوم شیخ صدوق به دلیل سازگاری بیشتر با متون دینی مورد تأیید و دیدگاه مرحوم مفید مورد نقد قرار گرفته است و در نتیجه بین این دو دیدگاه به نحوی جمع صورت گرفته است.

کلید واژه‌ها: خلقت نوری، آفرینش انبیاء ﷺ، آفرینش امامان ﷺ، شیخ صدوق، شیخ

مفید.

۱. کارشناسی ارشد رشته فقه و اصول (گرایش کلام اسلامی) مدرسه حجتیه قم.

مقدمه

یکی از مباحث کلامی که رگه‌های آن در فلسفه و عرفان اسلامی نیز دیده می‌شود، مسئله خلقت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام است که حقیقت آفرینش آنها همانند دیگر موجودات، منحصر به پیدایش جسمانی آنها در عصر و زمان خاص خودشان است و یا اینکه علاوه بر خلقت ظاهری از آفرینش دیگری به نام خلقت نوری نیز برخوردارند که از آن با تعبیری مثل حقیقت محمدیه در عرفان، یا عقل اول در فلسفه اسلامی به عنوان اولین مخلوق خداوند نیز یاد می‌شود؟ در این تحقیق، دیدگاه مرحوم شیخ صدوق و مرحوم شیخ مفید مورد تحلیل قرار گرفته است. مرحوم شیخ صدوق برای اثبات ادعای خود مبنی بر اینکه مقام نوری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام اولین مخلوق عالم و سبب آفرینش کائنات است، به آیه ۳۱ سوره بقره و روایات دیگر استناد کرده است که مراد از «اسماء» در «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ» (بقره: ۳۱) اسماء انبیاء و اسماء حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصحاب کساء یعنی حضرت علی، فاطمه، حسن، حسین و ذریه آنها علیهم‌السلام هستند، در حالی که مرحوم شیخ مفید تا حدودی با این دیدگاه مخالفت ورزیده و مراد از روایات دال بر اشباح آل محمد علیهم‌السلام قبل از حضرت آدم علیه‌السلام را وجودهای مثالی دانسته است. قبل از پردازش به تفصیل و بررسی این دو دیدگاه، نگاهی به برخی از واژگان دخیل در بحث و ضرورت بحث از شناخت انبیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌پردازیم.

مفهوم شناسی

براساس روایات متعدد، اولین مخلوق، مقام نوری پیامبر گرامی اسلام و ائمه علیهم‌السلام معرفی شده است، بدین معنا که مقام نوری آنها قبل از آفرینش دیگر موجودات، خلق شده‌اند. ضروری است قبل از طرح مباحث دیگر، معنای «خلق» و «نور» توضیح داده شود.

۱. خلق

«خلق» به معنای آفریدن، ایجاد کردن و ابداع نمودن است (فیومی، ج ۱: ۲۹۸) راغب اصفهانی خلق را در مورد خداوند به معنای ایجاد چیزی جدید دانسته که اصل و ما به‌آزاء نداشته باشد، اما خلق به معنای آفرینش و ایجاد چیزی از چیزی را هم در مورد خداوند و هم در مورد دیگران صحیح دانسته است، چنانچه در آیات متعدد آفرینش انسان از

نفس واحده(نساء: ۱)، آفرینش انسان از نطفه(النحل: ۴)، آفرینش جن از آتش(الرحمن: ۱۵)، آفریدن حضرت ابراهیم پرندگانی از گِل(المائده: ۱۱۰) و... استفاده شده است.(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۶)

در مورد خلقت انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام نیز معنای دوم استفاده شده است که پروردگار متعال آنها را از نور خودش به عنوان حلقه واسطه برای صدور فیض و خلقت موجودات دیگر آفریده است.

۲. نور

«نور» به معنای ذات و ماهیتی است که خودش آشکار و آشکارکننده دیگر اشیاء است؛ به همین دلیل نور یکی از صفات و اسماء خداوند است.(فیومی، ج ۲: ۳۴۱)

راغب اصفهانی نیز «نور» را روشنایی پخش شده و کمک کننده به دیدن اشیاء معنا کرده است. بعد، آن را به دو قسم معنوی و محسوس تقسیم کرده است؛ قسم معقول و معنوی آن، مانند نور عقل و نور قرآن با دید بصیرت قابل درک است، اما قسم محسوس آن با چشم سر قابل مشاهده بوده و از اجسام نورانی مثل خورشید و ماه، ستارگان و اشیاء نورانی دیگر منتشر می شود.

خداوند نیز خود را به سبب مبالغه فعل خود، نور آسمانها و زمین نامیده است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»(نور: ۳۵). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۲۸) به همین معنا در روایات متعدد، خلقت انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام برگرفته شده از نور خدا معرفی شده است.

ضرورت شناخت انبیا و امامان معصوم علیهم السلام

معرفت به انبیاء الهی به ویژه خاتم انبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام به عنوان حجج الهی، پس از معرفت خداوند جل جلاله، از اهم وظایف یک انسان مؤمن و متدین است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست، زیرا در ضمن دعایی که امام صادق علیه السلام برای مردم عصر غیبت بیان داشته است، هدایت و ضلالت انسان در گرو شناخت و عدم شناخت از خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حجت الهی دانسته شده است، آنجا که مردم باید مرتب دعا کنند که:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ
عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي

حُجَّتِكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۳۷)

در این دعا به خوبی به ضرورت معرفت و نقش انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام اشاره شده است که آنها حجج و خلیفه خداوند در روی زمین‌اند، شناخت خلیفه، بدون شناخت مستخلف‌عنه ممکن نبوده و عدم این شناخت سر از ضلالت و گمراهی انسان در خواهد آورد. امام علی علیه السلام نیز با تأیید این مطلب، فرموده است: وَ أَدَّتِي مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ ضَالًّا أَنْ لَا يَعْرِفَ حُجَّةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ شَاهِدَهُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِطَاعَتِهِ وَ فَرَضَ وَ لَأَيَّتَهُ؛ کمترین چیزی که - بنده خدا - به واسطه آن گمراه می‌شود، نشناختن حجت خدا در زمین و آشنا نبودن به شاهد حق تعالی بر بندگانش است که خداوند به اطاعت او فرمان داده و دوستی وی را واجب کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۱۵)

شناخت حجج الهی دارای مراتب و مراحل مختلف است، پرسش از حقیقت آفرینش آنها و معرفت عمیق به آن، جزو قدم‌های نخست شناخت نسبت به سایر مقام و منزلت های الهی آنها بوده و زمینه‌ساز شناخت‌های بعدی نظیر شناخت ویژگی‌های ظاهری و معنوی مثل علم، عصمت، تصرف در کائنات و اولی به تصرف بودن آنها در جان و مال همه مسلمانان و... است.

کمال انسان مؤمن در آن است که آنها را آن گونه که آفریده شده‌اند، بشناسد، پس باید با این پرسش آغاز کرد که حقیقت آفرینش آنها همان چیزی است که مثل دیگر انسان‌ها در تاریخ و زمان مشخص به دنیا آمده‌اند یا اینکه بر اساس نظام طولی و علی معلولی مطرح در فلسفه و عرفان اسلامی و استظهار از برخی از آیات و روایات، آنها از حقیقت نوری برخوردار بوده و نور آنها به عنوان اولین مخلوق الهی از نور خداوند صادر شده است؟

پاسخ اجمالی این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام از حقیقت نوری برخوردار بوده و یکی از فضایل خاص آنها خلقت نوری‌شان است که هم اصل وجودشان و هم نبوت و امامت آنان موجب وجود نورانیت در جهان هستی است، هرچند کیفیت خلقت نوری آنها به دلیل فرودستی هستی و محدودیت بُرد عقلانی ما از یکسو و سعه وجودی و ارجمندی و بلندی مقام آنان از سوی دیگر برای ما کاملاً روشن نیست، اما در حد توضیح اجمالی جهت روشن شدن دیدگاه شیخ صدوق و شیخ مفید می‌توان به آن اشاره نمود.

بخش اول

خلقت و مقام نوری پیامبر ﷺ

جایگاه و مقام نوری پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ایشان علیهم السلام از مهم‌ترین فضائل آنان به شمار رفته و نقش اساسی نسبت به دیگر فضائل آنان دارد، زیرا نور خلقت آنان بر اساس روایات متعدد اولین مخلوق الهی بوده و قبل از آنان مخلوق دیگری خلق نشده است. از این خلقت اولیه با عناوین مختلف نظیر نور، روح، عقل، قلم و... یاد شده است. بر اساس روایات متعدد، ائمه علیهم السلام بعد از خلقت و پیش از خلقت سایر موجودات، سالیان دراز به تسبیح و تحمید خداوند متعال مشغول بوده و بعد از آن سایر موجودات توسط نور ائمه علیهم السلام آفریده شده‌اند.

در برخی از احادیث، اتحاد نوری حضرت پیامبر ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مطرح شده است، از جمله ابن طاووس در کتاب *الطرائف* از عبدالله بن عمر نقل کرده است که: شنیدم از رسول خدا ﷺ سؤال شد که خداوند در شب معراج با تو به چه زبان سخن گفت؟ فرمود: با من به زبان علی بن ابی طالب علیه السلام [تکلم کرد و به من الهام کرد که گفتم: پروردگارا تو بودی که با من تکلم کردی یا علی بن ابی طالب علیه السلام]؟ خداوند فرمود: ای احمد علیه السلام [من نیستم، مثل سایر اشیاء نه به مردم قیاس می‌شوم و نه با شبهات به وصف در می‌آیم، تو را از نور خود و علی را از نور تو آفریدم، پس دیدم در درون دل تو احدی محبوبتر از علی بن ابی طالب علیه السلام] نیست، از این جهت به زبان و لهجه او سخن گفتم تا این که دلت آرام گیرد. (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۵۵)

در روایت دیگر از جابر بن عبدالله انصاری نیز به نقل از حضرت رسول اکرم ﷺ این حقیقت نقل شده است که: *إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ عَلِيًّا نُورًا مِنْ نُورِي وَخَلَقَنِي نُورًا مِنْ نُورِهِ وَكِلَانًا مِنْ نُورِي وَاحِدٍ...؛* جابر می‌گوید: از رسول الله ﷺ درباره میلاد حضرت علی علیه السلام پرسیدم. پس فرمودند: آه، آه، ای جابر! از بهترین مولودی که شبیه به مسیح است، سؤال نمودی. همانا خداوند تبارک و تعالی علی علیه السلام را از نور من خلق کرد و مرا از نوری که از نور او بود، خلق نمود و هر دوی ما از نور واحدی هستیم. سپس حضرت پیامبر ﷺ مبداء ولادت حضرت علی علیه السلام را شرح نموده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۸: ۱۲۵؛ همان، ج ۳۵: ۹۹)

زمان آفرینش نور وجود مقدس حضرت رسول اکرم محمد مصطفی ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ قبل از خلقت حضرت آدم ﷺ و حتی طبق برخی از روایات قبل از خلقت فرشتگان، آسمان‌ها، زمین، عرش و لوح بوده است. چنانچه در حدیثی جابر از حضرت رسول اکرم ﷺ نقل نموده است که حضرت به سبقت زمانی خلقت نور وجود مقدس خود و حضرت امیرالمؤمنین ﷺ نسبت به خلق عرش، لوح، خورشید، روشنائی روز، نور بصر و عقل و معرفت خبر داده است:

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي، فَفَتَقَ مِنْهُ نُورَ عَلِيٍّ ﷺ [ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ وَاللُّوْحَ وَالشَّمْسَ وَضَوْءَ النَّهَارِ وَنُورَ الْأَبْصَارِ وَالْعَقْلَ وَالْمَعْرِفَةَ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴: ۱۷۰)

مرحوم مجلسی از کتاب کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره ضمن روایت مفصل از ابن عباس نقل می‌کند که در محضر رسول خدا ﷺ بودیم که حضرت علی بن ابی طالب ﷺ وارد شد. وقتی نبی اکرم ﷺ او را دید، به روی او تبسمی نمود و فرمود: کسی خوش آمد که خداوند او را چهل هزار سال قبل از حضرت آدم خلق نمود. گفتیم: ای رسول خدا آیا فرزند قبل از پدر آفریده شده است؟! فرمودند: بلی، همانا خدای تعالی قبل از خلقت آدم در این مدت، من و علی را خلق نمود و نوری را آفرید سپس آن نور را به دو نیم قسمت کرد و قبل از آفرینش تمام اشیاء، مرا از نیمی این نور و علی را از نیم دیگر آن خلق نمود، سپس اشیاء را خلق کرد و اشیاء تاریک بودند و نور اشیاء از نور من و علی گرفته شده است، سپس خداوند ما را در سمت راست عرش قرار داد و سپس ملائکه را آفرید و ما خداوند را تسبیح گفتیم و ملائکه تسبیح گفتند و لا اله الا الله گفتیم، پس ملائکه تهلیل گفتند و تکبیر گفتیم، پس ملائکه تکبیر گفتند و آن را من و علی یاد دادیم و... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵: ۲۹)

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که حقیقت نوری پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ قبل از آفرینش دیگر موجودات بوده و سپس این نور از طریق حضرت آدم و سایر انبیاء ﷺ به صلب پدر پیامبر اکرم ﷺ منتقل شده است. در این میان عقیده بیشترین مفسران اهل سنت این است که آن نوری که از وجود آدم به فرزندانش منتقل شده، تنها حقیقت نوریه محمد ﷺ بود نه تمام اهل بیت ﷺ، اگر نور دیگر اهل بیت ﷺ را هم پیامبر ﷺ آمیخته باشد آنان در نگارش وانهادند، اما مفسران شیعه بر پایه روایات متواتر معنوی نور انتقال

شده را حقیقت یکپارچه می‌شمارند که مرتبه نخستین آن پیامبر اعظم ﷺ است و مرتبه آخرینش حضرت ولی عصر ﷺ است، یعنی نور آن بزرگوار از صلب یک نبی به صلب دیگر منتقل شد و بالاخره این پیامبر ﷺ تشریف آورد. افزون بر آن برخی از مفسرین از این واژه بر ایمان والدین آن حضرت نیز استدلال کرده‌اند. (دیوبندی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۴۶۷)

۱. دیدگاه مرحوم شیخ صدوق درباره مقام نوری پیامبر ﷺ

مرحوم شیخ صدوق و مرحوم شیخ مفید ﷺ در این زمینه دو دیدگاه جداگانه ارائه داده‌اند؛ اعتقاد شیخ صدوق این است که مقام نوری پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ اولین مخلوق خداوند هستند و سایر مخلوقات از نور وجود ایشان آفریده شده‌اند. این مطلب از جمله در کتاب *علل الشرائع* در باب ۱۳۹ ضمن حدیثی از امام علی ﷺ نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «من با احمد ﷺ همچون نوری از نور می‌باشم یعنی پیامبر اکرم ﷺ نور اصلی و من نوری منشعب از آن هستم».

در فرمایش امام صادق ﷺ آمده است:

آیا نمی‌دانی که محمد ﷺ و علی ﷺ هر دو نوری در مقابل حق عزوجل بوده که دو هزار سال پیش از خلقت مخلوقات آفریده شده‌اند و فرشتگان با دیدن این نور به خوبی دریافتند که این نور، یک اصلی داشته که از آن شعاع درخشان منشعب گردیده است و وقتی در مقام سؤال از حقیقت آن بر آمدند، به درگاه الهی عرض داشتند: پروردگارا و آقای ما این نور چیست؟ خداوند تبارک و تعالی به ایشان وحی فرمود که این نوری از نور من است که اصلش نبوت و فرعش امامت است، اما نبوت تعلق به بنده و رسولم محمد ﷺ داشته و امامت از آن حجت و ولی من علی ﷺ می‌باشد و اگر این دو نمی‌بودند، ابتدا مخلوقات را نمی‌آفریدم. (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ب ۱۳۹: ۱۷۴)

حدیثی دیگر در *کمال‌الدین* از رسول خدا نقل شده است که: ای علی ﷺ خدای تعالی انبیای مرسل را بر ملائکه مقرب برتری داد و مرا بر جمیع انبیا و رسولان ﷺ [فضیلت بخشید و پس از من ای علی! برتری از آن تو و امامان پس از توست و فرشتگان خادمین و دوستان ما هستند] (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ب ۲۳: ۲۵۴)

شیخ صدوق حدیثی را از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید: همانا اول چیزی که خداوند عزوجل خلق کرد ارواح ما بود: «لأنَّ أول ما خلق الله عزوجل ارواحنا». (صدوق، ۱۳۷۸، باب ۲۶: ۵۴۰)

حدیثی در *مالی* صدوق نیز آمده است که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: بر درب بهشت نوشته شده است لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی اخو رسول الله، هزار سال قبل از آنکه آسمان‌ها و زمین‌ها آفریده شوند. (صدوق، ۱۴۰۰ق: ۷۵)

از رسول خدا ﷺ نقل شده است که خداوند از من افضل و گرامی‌تر و... نیافریده است تا این خطاب الهی به پیامبر ﷺ رسید که یا محمد! تو بنده منی و من پروردگار تو. پس مرا بندگی کن و بر من توکل کن! تو نور من میان بندگان من و رسول من در میان آفریدگان من و حجت من در میان مخلوقات هستی، من بهشت را برای تو و تابعان تو خلق کرده‌ام و جهنم را برای کسی که تو را مخالفت کند آفریده‌ام. (صدوق، ۱۳۷۸، ج: ۱: ۲۶۴)

مرحوم صدوق در کتاب‌های متعدد از جمله در *علل الشرایع*، (ج: ۱: ۵) *عیون اخبار الرضا* (ج: ۱: ۲۶۲)، *مالی* (۱۴۰۰ق: ۳۲۷)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، (ج: ۱: ۳۵۵) این مطالب را آورده است که اولین مخلوق خداوند مقام نوری پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ است و سایر مخلوقات عالم از نور وجود ایشان آفریده شده‌اند.

در روایت دیگری آفرینش نور حضرت رسول الله ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین ﷺ چهارده هزار سال قبل از خلقت آدم بیان شده است که سلمان از رسول خدا ﷺ شنیده است که حضرت فرمود: من و علی [ﷺ] نوری در هم تنیده و به هم آمیخته در بین دستان خدای عزّ و جلّ بودیم که این نور، خدای را تسبیح و تقدیس می‌کرد که این امر چهارده هزار سال قبل از آن بود که خداوند آدم را خلق کند. پس هنگامی که خدای تعالی آدم را خلق نمود، این نور را در کمر آدم قرار داد، ما همواره با هم بودیم تا اینکه در کمر عبدالمطلب جدا شدیم، پس بخشی از آن نور من گردیدم و جزئی از آن علی گردید. (صدوق، ۱۳۶۲، ج: ۲: ۶۴۰)

و باز می‌فرماید: واجب است اعتقاد به آنکه حق تعالی هیچ خلقی افضل از محمد ﷺ و ائمه اطهار ﷺ نیافریده و آنها محبوب‌ترین خلایق و گرامی‌ترین خلق در نزد حق تعالی و مقدم بر همه در اقرار به خداوندند، وقتی خداوند از پیغمبران عهد گرفت، آنها را بر خودشان گواه گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه عرض نمودند: بله. (اعراف: ۱۷۲) و حق تعالی در عالم ذر پیغمبر خود محمد ﷺ را برای باقی پیامبران مبعوث فرمود

و هر عطایی که به هر پیغمبری داد، معرفتش را به حق پیغمبر ما محمد ﷺ نیز عطا نموده است. (صدوق، ۱۴۱۴ق، باب ۳۵: ۱۱۴)

۲. دیدگاه مرحوم شیخ مفید در باره مقام نوری پیامبر ﷺ

به نظر مرحوم شیخ مفید، این دیدگاه شیخ صدوق باطل و ساختۀ طایفۀ غلات معرفی شده است. ایشان ذیل آیه تطہیر (انما یرید اللہ لیذہب عنکم الرجس اهل البیت و یتطہرکم تطہیراً) به طور مفصل بیان نموده است که اگر گفته می‌شود اشباح آل محمد ﷺ قبل از آدم وجود داشته‌اند، مرادش این است که وجود مثالی آنها به شکل‌هایی در عرش بوده و حضرت آدم آنها را دیده و در مورد آنها پرسیده است. خداوند نیز به وی خبر داده است که آنها مثال‌هایی به شکل تعدادی از ذریه و نسل او است و این وجود پیشینی، سبب شرف آل محمد ﷺ و عظمت آنها است.

اما اینکه خود این‌ها قبل از حضرت آدم وجود داشته باشند، باطل و دور از حق است و هیچ شاگردی بدان اعتماد نورزیده و هیچ عالمی آن را نمی‌پذیرد. تنها جماعتی از غلات جاهل و حشویہ شیعه که درکی از معانی اشیاء و حقیقت کلام ندارند، به چنین باوری معتقد بوده‌اند.

قول دیگر در این باره این است که خداوند متعال نام‌های آنها را در عرش نوشته بوده که حضرت آدم آنها را دیده و شناخته است و بدین ترتیب به جایگاه عظیم آنان در پیشگاه خداوند بزرگ پی برده است.^۱

به نظر می‌رسد در عالم تکوین دو عالم انوار و عالم اجسام وجود دارد. از عالم انوار و ارواح به عناوین مختلف چون عقل، روح، نور و قلم یاد شده و مخلوق اول در اصطلاح عرفا (حقیقت محمدیہ) و در اصطلاح فلاسفہ (عقل اول) یا (صادر نخستین) نام دارد.

۱. و إن قبل إن أشباح آل محمد ﷺ سبق وجودها وجود آدم فالمراد بذلك أن أمثلهم في الصور كانت في العرش فرآها آدم ﷺ و سأل عنها فأخبره الله أنها أمثال صور من ذريته شرفهم بذلك و عظمهم به فأما أن يكون ذواتهم ﷺ كانت قبل آدم موجودة فذلك باطل بعيد من الحق لا يعتقدہ محصل و لا بدین به عالم و إنما قال به طوائف من الغلاة الجهال و الحشویة من الشيعة الذين لا بصر لهم بمعانی الأشیاء و لا حقيقة الكلام. و قد قيل إن الله تعالى كان قد كتب أسماءهم على العرش فرآها آدم ﷺ و عرفهم بذلك و علم أن شأنهم به عند الله العظيم عظيم و أما القول بأن ذواتهم كانت موجودة قبل آدم ﷺ فالقول في بطلانه على ما قدمناه. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸)

در عالم اجسام اولین مخلوق در میان غیر محسوسات هوا و در میان محسوسات آب است. اولین مخلوق حقیقی، نور وجود نبی اکرم ﷺ بوده که همه کائنات از آن پدید آمده است.

اگر بخواهیم بدون دخالت فلسفه و صرفاً تکیه بر روایات، مراتب خلقت را بیان کنیم، در عالم تکوین خداوند نور وجود پیامبر اکرم ﷺ را از نور خود آفریده و از نور پیامبر ﷺ نور وجودی حضرت علی علیه السلام و از آن دو، نور حضرت زهرا علیها السلام و از این سه، انوار امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و از نور امام حسین علیه السلام نه امام دیگر را به ترتیب آفریده است، قبل از اینکه باقی مخلوقات آفریده شوند. به نظر می‌رسد شیخ مفید رحمته الله بیشتر جنبه فلسفی مخلوقات را و شیخ صدوق جنبه روایی آن را مد نظر قرار داده‌اند.

ملاحظات چند بر قول شیخ مفید رحمته الله

چند ملاحظه بر قول شیخ مفید به ذهن می‌رسد:

۱. قدیم مطلق، ذاتی و ازلی، صفت واقعی و در حقیقت تنها زینده خداوند متعال است و جز او هیچ قدیم واقعی و حقیقت محض در مراتب هستی وجود ندارد، زیرا صفت آفریده شده و مخلوق پسوند تمام آنها است.
۲. وجود نوری اهل بیت علیهم السلام آفریده شده از فعل و عظمت الهی است. اگر چه این موجودات نوری نسبت به دیگر مراتب خلقت، تقدم رتبی دارند اما هیچ‌گاه نمی‌توانند مانند پروردگار، قدیم ذاتی باشند و یا خداوند را در قدیم مطلق بودن همراهی کنند.
۳. همان‌گونه که همه موجودات آفریده پروردگار یکتا هستند، نور ائمه علیهم السلام نیز مخلوق خداوند هستند. با این تفاوت که چینش مراتب هستی خلقت نوری آنها بر دیگر موجودات تقدم داشته و آنها واسطه فیض پروردگار شمرده می‌شوند نه خالق یا آفریننده موجودات فرودست خود.
۴. تقدم ائمه علیهم السلام نسبت به وجود آدم تقدم فیزیکی یا عنصری نبوده، بلکه تقدم نوری و سعه وجودی است. هرچند وجود فیزیکی آنها پس از آدم و دیگر پیام‌آوران الهی قرار دارد، ولی تمام حقیقت وجود ائمه علیهم السلام را بعد فیزیکی آنها تشکیل نمی‌دهد.

۵. در جای خود به اثبات رسیده است که وجود، دارای حقیقت واحد و مراتب تشکیکی است. ائمه علیهم السلام نیز سعه وجودی گسترده‌ای به ترتیب حقیقت وجود اعم از وجود نوری، ژنتیکی، جنینی و فیزیکی دارند. هر یک به تناسب زمان و مکان و مرتبه وجودی خود بروز و ظهور یافته و با دیگر مراتب آفرینش‌شان تمایز پیدا می‌کنند.

۶. هیچ یک از مراتب وجودی بر مرتبه نوری سبقت نگرفته و هر مرتبه مکمل مرتبه دیگر به شمار می‌رود. اگر چه مراتب بالا نسبت به مادون نیازی ندارد، ولی در سیر صعودی بی‌نیاز از مرتبه مادون هم نیست.

۷. مراد از مثال یا تصویر اهل بیت علیهم السلام در عرش دو گونه قابل تصویر است:

الف) تنها نام، مثال و تصویر آنها بدون حقیقت خارجی و بدون تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری در عالم عرشی آشکار شده باشد، که جای این فرض در عالم ملکوت و مجردات نیست، زیرا در آنجا هر چه هست وجود است نه عالم مثال.

ب) افزون بر نمایان شدن نام آنها، وجود خارجی‌شان نیز در عرش آشکار شده باشد که به تسبیح و تقدیس پروردگار مشغول بوده باشند و در واقع نام‌ها اسم‌های گوناگون یک مسمی بوده باشند و میان نام و تصویر یا حقیقت نوری ائمه علیهم السلام این‌همانی حاکم بوده و مراد از نام آنها در عالم ملکوت، همان حقیقت خارجی آنها بوده و هیچ گونه دوگانگی میان اسما و ذات نوری وجود نداشته باشد.

مجموع روایات خلقت نوری همین تفسیر دومی را تأیید می‌کند، زیرا حقایق و سعه وجودی عالم نوری ائمه علیهم السلام نسبت به ما خیلی زیاد است، هر چند نسبت به پروردگار بسیار ناچیز به حساب می‌آید. از زیادی سعه وجودی نسبت به ما در حالی که نسبت به خداوند سعه وجودی نداشته باشد، هیچ غلو لازم نمی‌آید. از سوی دیگر مرتبه عالم نوری و فروتر از آن تنها در عالم مثال قابل تصور نیست که نتوان برای آنها وجود حقیقی اثبات کرد، بلکه در عالم حقیقی نیز این فرض قابل تصور است.

جایگاه نور آفرینش پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام در نظام تکوین

بررسی روایات وارده در مورد خلقت نوری معصومین علیهم السلام نشان می‌دهد که آنها نه تنها قبل از آفرینش جهان، بلکه سبب آفرینش جهانیان بوده و فیوض و کمالات را از خداوند دریافت نموده و به مخلوقات می‌رسانند. وجود انبیا و امامان معصوم علیهم السلام در مرتبه

ای قرار دارند که شایستگی دریافت فیض را بی‌واسطه داشته و دیگر موجودات فاقد آن مرتبه، زیر ولایت آنها کسب فیض می‌کنند؛ ولایتی که در طول ولایت الهی و به اذن او به آنها عطا شده است.

این مسئله با قطع نظر از روایات از نظر عقلی نیز مورد بحث قرار گرفته و عرفا و حکمای اسلامی با براهین علمی و فلسفی، واسطه فیض بودن پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام را به اثبات رسانده‌اند و تصریح کرده‌اند، بدون این واسطه‌های نورانی، خلق عالم ممکن نیست، زیرا بر اساس قاعده «الواحد لا یصدر منه آلا الواحد» و لزوم سنخیت میان علت و معلول، نخستین آفریده خدا باید از جنس نور و کامل مطلق باشد که بسیاری از حکما و عرفا از آن به «عقل» تعبیر نموده و بر حقیقت محمدیه تطبیق داده‌اند.

این بحث یکی از فنی‌ترین بحث‌های عرفانی و فلسفی است که برای اطلاع مبسوط از ادله و براهین آن باید به کتاب‌های مفصل فلسفی و عرفانی رجوع کرد.^۱

چنانچه در حدیث قدسی خطاب به پیامبر اکرم ﷺ به این حقیقت تصریح شده است که لَوْلَاک لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاک. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۴۰۶) چنانچه در نسخه دیگر این مطلب خطاب به رسول خدا ﷺ و امام علی علیه‌السلام با هم بیان شده است که: لَوْلَاکَمَا لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاک. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۱۱۶)

در حدیث معروف کساء این مطلب با توضیح بیشتر در حق اصحاب کساء بیان شده است که:

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأَنكِتِي وَ يَا سَكَّانَ سَمَاوَاتِي أَنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً وَلَا فَلَکًا يَدُورُ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَکًا يَسْرِي إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هُوَ لَاءُ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوها: پس خدای عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهای من، به راستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی این پنج تن؛ اینان که در زیر کساء هستند. پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا چه کسانی در زیر کساء هستند؟

۱. ابن عربی، محی‌الدین (بی‌تا)، تفسیر ابن عربی، ج ۲، بیروت: دار الصادق.

خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و مخزن رسالت هستند، آنان فاطمه (علیها السلام) و پدرش و شوهر و دو فرزندش (علی و حسن) هستند.

در حدیث ذیل نیز جوهری بصری (متوفی ۴۰۱ق) از سلمان فارسی و او از رسول الله (ص) نقل کرده که در آن تأکید شده است که زمان خلقت انوار معصومین (علیهم السلام) نه آسمان بر افراشته شده بود و نه زمین گسترده شده بود و نه هیچ آفرینشی اعم از هوا، آب، ملک و بشر خلق شده بود.^۱

در دعای عدیله کبیره این مطلب در مورد حضرت ولی الله الاعظم (ص) بیان شده است که: *بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُوْدِهِ ثَبَتَتِ الْاَرْضُ وَ السَّمَاءُ (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ص ۴۲۳)*

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که عالم جبروت، عالم ناسوت، عرش، کرسی، ملائکه و شیعیان و خلاصه، همه هستی از مسیر فیض اهل بیت (علیهم السلام) پا به عرصه وجود گذاشته و دوام‌شان نیز به تداوم این واسطه‌های فیض الهی بستگی دارد. به عبارتی در بقای موجودات نیز فیض الهی به واسطه آنان به عوالم خلقت سرازیر می‌شود و ولایت تکوینی و مقام خلافت الهی آنان بر اساس همین خلقت و جایگاه نوری اهل بیت (علیهم السلام) قابل

^۱ قال: يا سلمان خلقني الله من صفة نوره و دعاني فاطمته و خلق من نوري نور علي (ص) فدعاه إلى طاعته فاطمته، و خلق من نوري و نور علي فاطمته فدعاهما فاطمته، و خلق مني و من علي و فاطمة الحسن و الحسين (ص) فدعاهما فاطمته، فسمانا الله عز و جل بخمسة أسماء من أسمائه، فالله محمود و أنا محمد، و الله العلي و هذا علي، و الله فاطر و هذه فاطمة، و الله ذوالإحسان و هذا الحسن و الله المحسن و هذا الحسين، ثم خلق منا و من نور الحسين تسعة أئمة (ص) فدعاهم فاطمته قبل أن يخلق الله عز و جل سماء مبنية، أو أرضاً مدحية، أو هواء و ماء و ملكاً أو بشراً، و كنا يعلمهم أنواراً تسبحه و تسمع له و تطيع؛ أي سلمان خدا مرا از نور خالص و برگزیده خویش آفرید و پس مرا خواند و من او را اطاعت کردم و از نور من علی (ص) را خلق کرد؛ او را خواند، پس او خداوند را فرمانبرداری نمود و از نور من و نور علی فاطمه را خلق کرد و او را خواند، پس او خدای را اطاعت نمود و از نور من و علی و فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را آفرید و آن دو را به خود فرا خواند، پس ایشان از خدا فرمانبرداری و اطاعت نمودند، سپس از نور حسین (ص) را آفرید و آنان را فرا خواند، پس آنان او را اطاعت و فرمانبرداری نمودند قبل از اینکه آسمان بنا نهاده شود یا زمین گسترده شود یا هوا یا آب یا فرشتگان یا انسان آفریده شود و ما به علم الهی، انواری بودیم که او را تسبیح می‌گفتیم و از او می‌شنیدیم. (جوهری بصری، بی تا: ۶-۷)

تیین و اثبات است. همه این حقایق مفاهیمی است که از آموزه‌های روایی از زبان خود ذوات مقدس معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است.

۳. دیدگاه شیخ صدوق در واسطه فیض بودن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام

بنا بر احادیث بررسی شده و مطابق با نص حدیث کساء، آفرینش جهان هستی به خاطر وجود پر برکت و نورانی حضرات معصومین علیهم‌السلام خلق شده است؛ بدین ترتیب که اولین موجوداتی که آفریده شدند نور وجود حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده و پس از اینکه آفرینش صورت گرفت ولایت ایشان بر آسمان‌ها و زمین عرضه شد و عبادت خداوند متعال تنها زمانی مورد قبول ذات باری تعالی قرار می‌گیرد که با پذیرش ولایت و امامت ائمه هدی علیهم‌السلام همراه باشد.

شیخ صدوق نیز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام را واسطه فیض دانسته و در موارد مختلف آن را بیان داشته است. از جمله در حدیثی در ادامه خلقت نوری ائمه علیهم‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به علی علیه‌السلام نقل نموده است که:

ای علی! کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که در اطراف آن قرار دارند به واسطه عنایت ما حمد پروردگار را به جا می‌آورند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند. ای علی! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا، جنت و نار و آسمان و زمین را نمی‌آفرید. و چگونه افضل از ملائکه نباشیم در حالی که در توحید و معرفت پروردگارمان و تسبیح، تقدیس و تحلیل او بر آنها سبقت گرفته‌ایم، زیرا ارواح ما نخستین مخلوقات خدای تعالی است و بعد ملائکه را آفرید.^۱

۱. مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي قَالَ عَلِيُّ عليه السلام فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَأَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّ جَبْرِئِيلَ؟ فَقَالَ صلى الله عليه وآله يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَاللَّائِمَةُ مِنْ بَعْدِكَ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا وَخُدَامُ مُحِبِّينَا يَا عَلِيُّ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ... وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا بَوْلَانِنَا يَا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ وَكَيْفَ لَا يَكُونُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَمَعْرِفَةِ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ وَتَسْبِيحِهِ وَتَقْدِيسِهِ وَتَهْلِيلِهِ لِأَنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا فَانْطَفَأَتْ بِتَوْحِيدِهِ وَتَمَجِيدِهِ ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۵۴، ص ۴)

در جای دیگر تصریح می‌کند که ما اعتقاد داریم که حق تعالی مجموع خلائق را برای محمد ﷺ و اهل بیت او ﷺ آفریده، اگر ایشان نبودند، خداوند آسمان‌ها، زمین، بهشت و جهنم، آدم و حوا، ملائکه و هیچ آفریده دیگری را نمی‌آفرید. (صدوق، ۱۴۱۴ق، باب ۳۵: ۱۱۴)

بخش دوم

جایگاه خلقت نوری امامان معصوم ﷺ

در بحث خلقت امامان معصوم ﷺ به‌عنوان اولین مخلوق نیز متون دینی آنها را در کنار مقام نوری پیامبر گرامی اسلام ﷺ جزء اولین مخلوقات معرفی نموده است که برخی از آنها در خلقت انبیاء ﷺ مورد اشاره قرار گرفت. چنانچه در روایتی خلقت نور اهل بیت ﷺ چهارده هزار سال قبل از خلقت آدم بیان شده است. (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۴۰) در روایتی معاذ بن جبل از رسول خدا ﷺ خلقت نوری پنج تن آل عبا ﷺ را هفت هزار سال قبل از آفرینش دنیا بیان کرده است. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۰۹-۲۰۸) اما خلقت نور دیگر معصومین ﷺ در روایتی از امام علی ﷺ دو هزار سال پیش از خلقت آدم بیان شده است: نور محمد ﷺ و نور من و نور حسن و نور حسین و نور نه نفر از اولاد حسین [ﷺ] زیرا که نور پدرم از نور ما است که حضرت یزد خالق آن نور را قبل از ایجاد آدم به دو هزار سال پیشتر خلق نمود. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۳۰-۲۲۹) اما برای توضیح بیشتر، دیدگاه شیخ صدوق و شیخ مفید به صورت جداگانه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. دیدگاه شیخ صدوق درباره خلقت نوری ائمه ﷺ

در این زمینه اعتقاد مرحوم شیخ صدوق این است که مقام نوری ائمه ﷺ مثل مقام نوری پیامبر اکرم ﷺ اولین مخلوق خداوند بوده و سایر مخلوقات از نور وجود آنها آفریده شده‌اند، زیرا پس از اشاره به چگونگی خلقت انسان در قرآن کریم (بقره: ۳۳-۳۰)، از تعلیم اسماء به آدم سخن به میان آمده است که نشان دهنده این است که حضرت آدم به لطف پروردگار دارای استعداد فوق العاده، عقل و شعور برای درک «اسما» بوده است که آنها به او آموزش داده شده‌اند. در اینکه حقیقت اسماء چه بوده است، مفسران بیانات گوناگونی دارند، برخی آن را به معنای اشباح ذوات مقدسه دانسته است که حضرت آدم آنها را

شناخته است و ضمیر «عرضهم» در آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ» (بقره: ۳۱) بر ذوی العقول بودن مرجع آن دلالت دارد که بیانگر پنج تن آل عبا علیهم السلام است و گرنه ضمیر «هم» در مورد آنها به کار نمی‌رفت. (صادقی تهرانی، ج: ۱: ۲۹۲)

مرحوم صدوق در *کمال الدین و تمام النعمه* نقل کرده است که مراد از اسماء در «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» همه حجج هستند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج: ۱: ۱۴) و به نقل از تفسیر البرهان امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید که مراد از اسماء، اسماء انبیا الله و اسماء محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و طیبین از آل آنهاست و محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام بر ملائکه عرضه شده‌اند. (صادقی تهرانی، ج: ۱: ۲۹۲)

مرحوم صدوق حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که حضرت می‌فرماید: خداوند عزوجل هفت هزار سال قبل از آفرینش دنیا، من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را آفرید. معاذ می‌گوید، عرضه داشتیم: ای رسول خدا پیش از آفرینش دنیا شما کجا بودید؟ حضرت فرمود: جلو عرش بودیم و خدای تعالی را تسبیح و ستایش می‌نمودیم، تقدیس و تمجیدش می‌کردیم. عرض کردم به چه هیئت و شکلی بودید؟ حضرت فرمودند: شیخ هایی از نور بودیم تا اینکه حق تعالی اراده کرد صورت ما را بیافریند، لذا ما را عمودی از نور قرارداد و در صلب جناب آدم قرار داد و پس از آن ما را به اصلاص پدران و ارحام مادران درآورد و ابدأ نجاست، شرک و آلودگی کفر به ما نرسید. دسته‌ای به واسطه ما سعادت‌مند و گروهی دیگر به واسطه ما شقی شدند. باری وقتی ما را به صلب عبدالمطلب وارد کرد آن نور را بیرون آورده، دو نصف کرد، نیمی از آن را در صلب عبدالله و نیمی دیگرش را در صلب ابوطالب قرار داد، پس نصف متعلق به من را به آمنه و نصف متعلق به علی را به فاطمه دختر اسد منتقل نمود، آمنه مرا و فاطمه علی را به دنیا آوردند، بعد خداوند عزوجل عمود نور را به من برگرداند، از من فاطمه به دنیا آمد و عمود را به علی علیه السلام اعاده داد، حسن و حسین از آن حضرت متولد شدند، پس آنچه از نور علی بود به فرزندان حسن و آنچه از نور من بود در اولاد حسین استقرار یافت و نور اولاد حسین در ائمه علیهم السلام انتقال یافت و تا قیامت باقی می‌ماند. (صدوق، بی‌تا، ج: ۱: ۶۷۷)

شبیبه این مطلب در حدیث کسا نیز اشاره شده است.

شیخ صدوق این مطلب را در کتاب *علل السرائع* در باب ۱۲۹ ضمن حدیثی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید: «من با احمد علیه السلام همچون نوری از نور می‌باشم، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نور اصلی و من نوری منشعب از آن هستم».

در جای دیگر به نقل از فرمایش امام صادق علیه السلام به حقیقت نوری ائمه علیهم السلام دو هزار سال پیش از خلقت مخلوقات اشاره شده که خداوند آن را از نور خودش مشتق نموده و به مقام نبوت و امامت بخشیده است که اگر این دو نمی‌بودند، ابداً مخلوقات را نمی‌آفرید.^۱ حدیث دیگری در *کمال‌الدین* از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

ای علی! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و جنت و نار و آسمان و زمین را نمی‌آفرید و چگونه افضل از ملائکه نباشیم در حالی که در توحید و معرفت پروردگاران و تسبیح و تقدیس و تحلیل او بر آنها سبقت گرفته‌ایم، زیرا ارواح ما نخستین مخلوقات خدای تعالی است و بعد ملائکه را آفرید و...^۲

در روایتی معاذ بن جبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله خلقت نوری پنج تن آل عبا علیهم السلام را هفت هزار سال قبل از آفرینش دنیا بیان کرده است:

عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَنِي وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الدُّنْيَا بِسَبْعَةِ آلَافِ عَامٍ؛ خدای عز و جل هفت هزار سال قبل از آفرینش دنیا من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را آفرید. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۰۹-۲۰۸)

۱. مَا عَلِمْتَ أَنَّ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا علیهم السلام كَانَا نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ بِأَلْفِي عَامٍ وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَمَّا رَأَتْ ذَلِكَ النُّورَ رَأَتْ لَهُ أَصْلًا قَدْ تَشَعَّبَ مِنْهُ شُعَاعٌ لَامِعٌ فَقَالَتْ لِهَذَا النُّورِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِمْ هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي أَصْلُهُ نُورٌ وَفِرْعُهُ إِمَامَةٌ أَمَّا النَّبِيُّ فَلِمُحَمَّدٍ عِبْدِي وَرَسُولِي وَأَمَّا الْإِمَامَةُ فَلِعَلِيِّ حُجَّتِي وَوَلِيِّي وَلَوْلَاهُمَا مَا خَلَقْتُ خَلْقِي. (صدوق، همان، باب ۱۳۹) «۱۷۴»

۲. مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي قَالَ عَلِيُّ علیه السلام فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الرُّسُلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالرُّسُلِينَ وَالفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَلِلْإِمَامَةِ مِنْ بَعْدِي فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخِدَامَنَا وَخِدَامَ مُحِبِّينَا يَا عَلِيُّ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ... وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَتِنَا يَا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَنَا حَوَاءَ وَنَا الْجَنَّةَ وَنَا النَّارَ وَنَا السَّمَاءَ وَنَا الْأَرْضَ وَكَيْفَ نَأْيُكَ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ قَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مَعْرِفَةِ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَقْدِيسِهِ وَ تَهْلِيلِهِ لَأَنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا فَانطَلَقْنَا بِتَوْحِيدِهِ وَ تَمَجِيدِهِ ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا. (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۵۴)

مرحوم صدوق در یک جمله اعتقاد خود و شیعیان را به این شکل بیان داشته است که:

ما اعتقاد داریم که حق تعالی مجموع خلق را برای محمد ﷺ و اهل بیت او ﷺ آفریده است. اگر ایشان نبودند خداوند آسمان ها و زمین و بهشت و جهنم و آدم و حوا را و ملائکه و هیچ آفریده دیگری را نمی آفرید. (صدوق، ۱۴۱۴ق، باب ۳۵: ۱۱۴)

بنابراین این حقیقت‌های نوری قبل از حضرت آدم، اولین مخلوق خداوند بوده است که نام‌های آنها بر حضرت آدم و ملائکه عرضه شده است.

۲. دیدگاه شیخ مفید در باره خلقت نوری ائمه ﷺ

شیخ مفید ﷺ پس از تشکیک در صحت و درستی خبری که خلقت ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد می‌داند، ادعا می‌کند که این مطلب از اخبار آحاد و موافق عامه است و بر فرض صحت، مقصودش آن است که خدا در علم خود، ارواح را پیش از اجساد اندازه گیری کرده و سپس اجساد را خلق نموده و روح را در آنها آفریده است. بنابراین، مقصود این روایات باید خلق تقدیر باشد نه آفرینش ذات ارواح، اما آفرینش ذات ارواح پس از اجساد، اشکال و صوری است که روح سرپرست آن بوده و تدبیرش می‌کند. حال اگر این را نپذیریم و بر آفرینش ارواح پیش از اجساد اصرار ورزیم، باید توجه داشته باشیم که در این صورت:

- اولاً باید ارواح قائم به نفس (به خود پاینده) می‌بودند و به ابزاری حامل ارواح نیاز نمی‌داشتند.

- ثانیاً ما باید به وضعیت و حالات خود، پیش از تعلق به تن آگاهی می‌داشتیم، همان گونه که به وضعیت خود پس از وابستن و تعلق به بدن، آگاهی داریم، حال آنکه این دو محال است و فسادش نیز بر کسی پوشیده نیست. (مفید ۱۴۱۳ق: ۵۳)

مرحوم شیخ مفید ﷺ همان گونه که در بحث خلقت انبیاء به آن اشاره شد، با رد دیدگاه شیخ صدوق آن را بعید از حق و ساخته طایفه‌ای از غلات دانسته است. ایشان مراد از اشباح آل محمد ﷺ قبل از آدم را وجودهای مثالی در عرش دانسته که حضرت آدم آنها را دیده و در مورد آنها پرسیده است. خداوند نیز به وی خبر داده است که آنها مثال‌هایی

به شکل تعدادی از ذریه و نسل او است، این وجود پیشینی سبب شرف آل محمد ﷺ و عظمت آنها است.

اما وجود آنها قبل از آدم، باطل و دور از حق است که هیچ شاگردی بدان اعتماد نورزیده و هیچ عالمی آن را نمی‌پذیرد و تنها جماعتی از غلات جاهل و حشویه شیعه که درکی از معانی اشیاء و حقیقت کلام نداشته‌اند، به چنین باوری معتقد بوده‌اند.

یک قول این است که خداوند متعال نام‌های این‌ها را در عرش نوشته بوده است که حضرت آدم آنها را دیده و شناخته است و از همین جا به جایگاه عظیم آنان در پیشگاه خداوند بزرگ پی برده است. (همان: ۲۸)

این نظریات مرحوم مفید در بحث خلقت نوری انبیا به تفصیل بحث و مورد نقد قرار گرفت.

جمع‌بندی

در مجموع با پرسش از حقیقت آفرینش انبیا و امامان معصوم ﷺ به این نتیجه رسیدیم که مرحوم صدوق روایات دال بر خلقت نوری پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ را پذیرفته و قبل از خلقت ظاهری آنها، حقیقت نوری آنها را قبل از خلقت موجودات دیگر می‌داند به این معنا که خداوند متعال فیض خود را به واسطه آنها به دیگر موجودات رسانده و آنها در وجود و بقای اشیاء دیگر مجرای فیض الهی هستند. اما مرحوم شیخ مفید حقیقت نوری آنها را نپذیرفته و ضمن اینکه آن را حرف حشویه و غلات دانسته برای ظاهر آن نیز توجیه ارائه داده است و بیان شد که با بررسی این دو دیدگاه می‌توان حق را به شیخ صدوق داد چون دلیل روایی فراوان آن را تأیید می‌کند و از آیه ۳۱ و ۳۲ سوره بقره نیز این مطلب ثابت می‌شود که مراد از اسماء همان اشباح پنج تن آل عبا ﷺ است.

علاوه بر چند نقدی که بر دیدگاه مرحوم مفید وارد است، دیگر جایی برای این باقی نمی‌ماند که دیدگاه صدوق نظریه طایفه‌ای از غلات و حشویه محسوب شود. علاوه بر اینکه مرحوم مفید بیان نکرده است که اگر این‌ها مخلوق اول نیستند، پس مخلوق اول چه کسانی هستند؟

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه (ترجمه علی شیروانی)
- ابن سینا (۱۳۶۴)، النجاة، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۶۴.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ق)، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ج ۱، قم.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، بیروت: دارالنشر.
- اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان فی احکام القرآن، ج ۱، تهران: المکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز (بی تا)، مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر [ع]، ج ۱، قم.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن ج ۱، بیروت / دمشق.
- دیوبندی، شیخ الهند، محمود حسن (۱۳۷۵)، تفسیر کابلی، ج ۴، ج ۶، تهران: احسان.
- صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن والسنة، قم: فرهنگ اسلامی.
- صدوق (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، تهران: اسلامیة.
- _____ (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا، تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۳۶۲)، الخصال، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (بی تا)، علل الشرایع، ج ۱، قم: داوری.
- _____ (۱۴۰۰ق)، الامالی الصدوق، ج ۵، بیروت: اعلمی.
- _____ (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۶۷)، من لا یحضره الفقیه، مترجم علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران: نشر صدوق.
- _____ (۱۴۱۴ق)، الاعتقادات الامامیه، ج ۲، قم: کنگره شیخ مفید.

- (۱۴۱۴ق)، الاعتقادات الامامیه، تحقیق: عصام عبدالسعید، ج ۲، بیروت: دارالمفید للطباعة و نشر و التوضیح.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۲)، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، جلد ۲، ج ۱، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی (۱۳۸۳)، مجمع البیان، تهران: مکتبه العالمیه الاسلامیه.
- فیومی، المصباح المنیر العلامه الفیومی، مکتبه اللبنان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۴، تهران: الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، بحار الانوار، ج ۴، تهران: مکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد، ج ۱، بیروت.
- مفید، محمد (۱۴۱۳ق)، اوائل المقالات، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۴ق)، اوائل المقالات، تحقیق: شیخ ابراهیم انصاری، ج ۲، بیروت: دارالمفید للطباعة النشر و التوزیع.
- (۱۴۱۳ق)، مسائل العکبریه، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳ق)، الفصول المختاره، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳ق)، تصحیح الاعتقادات، ج ۲، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳ق)، النکت الاعتقادیه، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳ق)، المقنعه، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.

